فصلنامه حقوق اداری

سال هشتم، بهار ۱۴۰۰، شماره ۲۶

مطالعه تطبیقی رابطه حقوق تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی

محمدرضا جوان‌جعفری[۱]؛ علی اکبر گرجی ازندریانی[۲] مرتضی نجابت خواه[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۵

چکیده

پیشینه مسئولیت‌مدنی به گذشته‌های دور برمی‌گردد؛ اما تأمین‌اجتماعی به مفهوم مدرن آن، حاصل تحولات و ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی قرون اخیر است. قواعد مسئولیت‌مدنی، جبران زیان‌های گسترده‌تری را پوشش می‌دهد و درمقابل، تأمین‌اجتماعی محدود به زیانهای شخصی است (نظیر زیان ناشی از سلب امکان کسب درآمد، و ارائه مزایای درمانی). درعین‌حال، ممکن‌است درخصوص زیان‌های شخصی بین این دو نظام، تداخل ایجاد شود. در این زمینه، چهار راه‌حل متفاوت قابل‌تصور است: ۱. جمع مزایای تأمین‌اجتماعی و خسارات، ۲. جایگزینی کامل مسئولیت‌مدنی با تأمین‌اجتماعی، ۳. جایگزینی جزئی تأمین‌اجتماعی و ۴. تعامل مسئولیت‌مدنی و تأمین‌اجتماعی.

در این‌خصوص، این بحث مطرح خواهد بود که اولاً: به لحاظ سیاست‌گذاری حقوقی، پذیرش کدام‌یک از رویکردهای مذکور از سوی قانون‌گذار مطلوب‌تر و عادلانه‌تر خواهدبود، و ثانیاً، با توجه به قوانین موجود، کدام‌یک از این رویکردها پذیرفته‌شده‌است. اجمالاً به‌نظر می‌رسد راه‌حل سوم، مطلوب‌تر و عادلانه‌تراست و هرچند با تفسیر نادرستی که از مقررات موجود به عمل آمده‌است، در حقوق ایران عملاً، راه‌حل اول اعمال می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تأمین اجتماعی، مسئولیت مدنی، رجوع، حادثه، ضرر بدنی

۱ – دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد تهران شمال، تهران، ایران
mjavanjafari@yahoo.com
۲– دانشیار دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران(نویسنده مسئول)
a_gorji@sbu.ac.ir
۳– دانشیار گروه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر
m.nejabatkhah@gmail.com

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

مقدمه

مسئولیت‌مدنی زمانی مطرح می‌شود که عمل زیانبار شخصی (که معمولاً می‌بایست با تقصیر همراه باشد)، سبب ورود زیان به‌غیر شود. در مقابل، برای بهره‌مندی از مزایای تأمین‌اجتماعی، انتساب زیان وارده به عمل شخص دیگر شرط نیست و شخص دارای شرایط بهره‌مندی از مزایای تأمین‌اجتماعی، مستحق دریافت این مزایا خواهدبود؛ حتی اگر علت وقوع زیان نامشخص باشد، یا ناشی از عوامل غیرانسانی باشد و .... بنابراین، تأمین‌اجتماعی از این حیث، قلمروی گسترده‌تری از حوادث زیانبار را تحت پوشش قرار می‌دهد. بااین‌حال، مواردی قابل‌تصور است که شخصی که در اثر یک حادثه، صدمه دیده‌است، هم بر اساس قانون تأمین‌اجتماعی و هم بر اساس قواعد مسئولیت‌مدنی، مستحق دریافت مزایا و جبران‌خسارت باشد. یکی از موارد مهم تداخل مسئولیت‌مدنی و تأمین‌اجتماعی، ازکارافتادگی یا نقص‌عضو بیمه‌شده در نتیجهٔ حوادث ناشی‌ازکار و نیز بیماری‌های حرفه‌ای‌است. دراین‌موارد، کارگر بیمه‌شده با استناد به مقررات تأمین‌اجتماعی، علاوه بر بهره‌مندی از مزایای درمانی، مستحق دریافت غرامت نقص‌عضو یا مستمری ازکارافتادگی کلی یا جزئی خواهد بود. درعین‌حال، چنانچه صدمه وارده، مستند به تقصیر کارفرما و سایر کارگران یا اشخاص خارج از کارگاه باشد؛ امکان استناد کارگر به قواعد مسئولیت‌مدنی برای رجوع به عامل وقوع حادثه، قابل بحث است.

در چنین مواردی، این پرسش مطرح است که اساساً آیا پس از دریافت مزایای تأمین‌اجتماعی، امکان رجوع کارگر به عامل ورود زیان بر اساس قواعد مسئولیت‌مدنی وجود دارد یا خیر؟ در صورت پذیرش امکان رجوع وی، این رجوع نسبت به تمام خسارت وارده خواهدبود، یا مزایای تأمین‌اجتماعی دریافتی از میزان مسئولیت عامل زیان کسر می‌شود؟ بحث دیگری که مطرح‌است، مربوط به امکان رجوع نهاد تأمین‌اجتماعی به عامل ورود زیان، به‌ویژه کارفرمایی‌است که با پرداخت حق‌بیمه، در تأمین منابع مالی نظام تأمین‌اجتماعی، نقش مهمی ایفا نموده‌است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

پاسخ این سؤالات به رابطه بین تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی برمی‌گردد که در این‌خصوص، چهار راه‌حل قابل‌تصور است. اگر این رابطه بر مبنای جایگزینی کامل[1] تفسیر شود؛ تأمین‌اجتماعی، کاملاً جایگزین مسئولیت‌مدنی شده‌است؛ در نتیجه، کارگر زیان‌دیده فقط مستحق دریافت مزایای تأمین‌اجتماعی است. اگر این رابطه بر مبنای جایگزینی جزئی[2] تفسیر شود، هرچند تأمین‌اجتماعی به طور کلی جایگزین مسئولیت‌مدنی نشده‌است؛ اما به طور خاص در خصوص حوادث ناشی ازکار، این امر محقق‌شده‌است و کارگر فقط حق رجوع به تأمین‌اجتماعی را دارد و جز درمواردِاستثنایی، حق رجوع به کارفرما یا کارگران وی برای مطالبه زیان‌هایی که از شمول تأمین‌اجتماعی خارج بوده است را ندارد و نهاد تأمین‌اجتماعی نیز حق رجوع به ایشان بابت مطالبه خسارت پرداختی را ندارد. اگر مزایای تأمین‌اجتماعی، مستقل از مسئولیت‌مدنی در نظرگرفته شود، زیان‌دیده حق خواهدداشت که مجموع[3] مزایای تأمین‌اجتماعی و خسارات مسئولیت‌مدنی را دریافت نماید و در احتساب خسارات مسئولیت‌مدنی، مزایای تأمین‌اجتماعی از مبلغ خسارت کسر نمی‌شود. راه‌حل آخر، ناظر بر تعامل[4] تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی در جبران زیان وارده به بیمه‌شدگان تأمین‌اجتماعی است و بر اساس آن، تأمین‌اجتماعی نقش اولیه‌ای در ارائه مزایای حداقلی به بیمه‌شده ایفا می‌کند و به دنبال آن، بیمه‌شده حق خواهد داشت برای دریافت خسارت تکمیلی به عامل ورود زیان (اعم از کارفرما یا اشخاص ثالث) مراجعه نماید.

لازم به ذکراست که این بحث درخصوص رابطه تأمین‌اجتماعی و بیمه‌های تجاری نیز قابل‌طرح است و راه‌حل آن در خصوص بیمه‌های مسئولیت‌مدنی، بیشتر تابع راه‌حلی‌است که در رابطه تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی پذیرفته‌شده‌است. (Faure & Hartlief, 2002 : 236)

در نظام‌های حقوقی مختلف برای رفع تداخل مسئولیت‌مدنی و تأمین‌اجتماعی، یکی از راه‌حل‌های بالا پذیرفته‌شده‌است. در این مقاله، برآنیم تا با بررسی مبانی، مزایا و ایرادات هر یک از راه‌حل‌های فوق، راه‌حل مطلوب‌تر را برگزینیم؛ همچنین بررسی خواهد شد که با توجه به

1- Entire replacement
2 -Partial replacement
3- Cumulation
4- Interplay

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

قوانین و مقررات فعلی، در حقوق ایران کدام راه‌حل قابل‌پذیرش‌است. درعین‌حال، قبل از ورود به این مباحث و بررسی راه‌حل‌های مذکور تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی، به لحاظ هدف، شرایط و آثار مقایسه خواهند شد.

برای این منظور، مطالب این مقاله در سه مبحث ارائه خواهد شد. مبحث اول به موضوع مقایسه تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی اختصاص می‌یابد، در مبحث دوم به موضوع رابطه تأمین اجتماعی و مسئولیت‌مدنی خواهیم پرداخت و در مبحث سوم، نظریات ارائه‌شده در حقوق ایران درخصوص رابطه مسئولیت مدنی و تأمین اجتماعی بررسی می‌شود.

۱. مقایسه مسئولیت‌مدنی و تأمین‌اجتماعی

برای بررسی رابطه بین مسئولیت‌مدنی و تأمین‌اجتماعی، شناخت اوصاف و ویژگی‌های آنها ضروری‌است. برای این منظور در این مبحث، مسئولیت‌مدنی و تأمین‌اجتماعی از جهات اوصاف مختلفی نظیر: هدف، مبنا، شرایط و... مقایسه خواهند شد.

۱-۱. مقایسه هدف مسئولیت‌مدنی و تأمین‌اجتماعی

از نظر هدف مسئولیت‌مدنی، بین رویکرد حقوقدانان سنتی و طرفداران نگرش اقتصادی به حقوق، تفاوت وجود دارد؛ درحالی‌که حقوقدانان سنتی بر جبران زیان‌های وارده در گذشته[1] تأکید می‌کنند؛ طرفداران نگرش اقتصادی به حقوق بر پیشگیری نسبت به آینده[2] اصرار می‌ورزند و مسئولیت‌مدنی را به عنوان ابزاری درنظر می‌گیرند که از انجام فعالیت‌هایی که اجتناب از آنها از طریق قواعد مسئولیت ممکن است، پیشگیری می‌کند (بازدارندگی). (Faure & Hartlief, 2002: 224)

در نتیجه، از منظر طرفداران نگرش اقتصادی به حقوق، مسئولیت‌مدنی اصولاً به عنوان یک نظام تغییر رفتار در نظرگرفته می‌شود و بر اساس آن، پیش‌بینی مسئولیت‌مدنی برای یک حادثه، اشخاص را به تغییر رفتار (از طریق اتخاذ تمهیدات پیشگیرانه) قبل از تحقق حوادث تشویق می‌کند. با این تحلیل، اینکه زیان وارده به زیان‌دیده، پس از تحقق حادثه جبران می‌شود، به عنوان هدف مسئولیت‌مدنی دیده نمی‌شود؛ بلکه مسئولیت مدنی به عنوان ابزاری در

1- Ex post
2 -Ex ante

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

نظرگرفته می‌شود که انگیزه‌های کافی برای انجام رفتار پیشگیرانه از سوی عامل زیان بالقوه ایجاد می‌کند. (Faure & Hartlief, 2002 :225)

به هرحال، در حقوق ایران؛ مشهور حقوقدانان، هدف اصلی مسئولیت‌مدنی را جبران خسارت وارده به زیان‌دیده می‌دانند (کاتوزیان, ۱۳۹۰: ۳۰)؛ (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲: ۲۴۷) هر چند، برخی معتقدند که نمی‌توان در ترسیم قواعد مسئولیت‌مدنی، هدف یکسانی درنظر گرفت و در مسائل مختلف، مسئولیت‌مدنی اهداف متفاوتی را دنبال می‌کند؛ گاه جبران‌خسارت مدنظر بوده است و گاه، بازدارندگی و حفظ حقوق و آزادی عمل افراد هدف قرارگرفته‌است. (بابایی، ۱۳۹۴: ۲۲)

در خصوص تأمین‌اجتماعی، گفته‌شده است هدف معمول آن تاحد امکان، از بین‌بردن یا کاهش[1] رنج‌هایی‌است که فقر ایجاد یا تشدید می‌کند (Saint-Pierre, 1955: 196) و در کنار آن، توانبخشی و برگرداندن قدرت کار کردن به وی و آماده کردن وی برای بازگرداندن به زندگی کاری‌است (عراقی، بادینی و شهابی، ۱۳۸۶: ۱۲۷).

از نظر اقتصادی، می‌گویند تأمین‌اجتماعی عمدتاً یک نظام جبران است که هدف اصلی آن، ارائه جبران مناسب (بابت هزینه‌های درمان یا درآمد از دست‌رفته)، صرف‌نظر از منشأ بیماری یا صدمه وارده است. (Faure & Hartlief, 2002: 225) البته برخی پیشگیری را نیز به عنوان یکی از اهداف تأمین‌اجتماعی درنظرگرفته‌اند و حتی معتقدند که لازم‌است «نقش و جایگاه تأمین‌اجتماعی در امر پیشگیری تبیین و موردبازنگری قرار گیرد.» (عراقی، بادینی و شهابی، ۱۴۱:۱۳۸۶)؛ بااین‌حال، به‌نظر می‌رسد ظرفیت اعمال تدابیر پیشگیرانه از سوی نهاد تأمین‌اجتماعی وجود ندارد و برای پیشگیری از تحقق حوادث می‌بایست به سایر شاخه‌های حقوق نظیر حقوق کیفری، مسئولیت‌مدنی یا مقررات مربوط به امنیت حرفه‌ای پناه برد که از قلمروی حقوق تأمین‌اجتماعی خارج هستند. چنانچه گفته‌شده است: «پرداخت‌های صورت‌گرفته از سوی نهاد تأمین‌اجتماعی را نمی‌توان به نحوی تفسیر نمود که هدف اصلی آنها پیشگیری باشد و تأمین‌اجتماعی سنتی بر جبران زیان متمرکز است. » (Faure & Hartlief, 2002: 226) بنابراین، از منظر اقتصادی، در مقام مقایسه تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی می‌توان گفت که از نظر اقتصادی، هدف اصلی تأمین‌اجتماعی؛ جبران است؛ درحالی‌که هدف اصلی مسئولیت‌مدنی،

1- Prévenir ou d'atténuer

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

بازدارندگی است. (Faure & Hartlief, 2002: 225) البته گفته‌شده، بین سطح حمایت‌های تأمین‌اجتماعی و نقش بازدارنده مسئولیت‌مدنی، رابطه وجود دارد و هرچه قلمروی حمایت تأمین‌اجتماعی گسترش یابد؛ مسئولیت‌مدنی، بیشتر به سوی کارکرد بازدارنده سوق داده می‌شود و برعکس، هرچه سطح حمایت‌ها کمتر می‌شود، مسئولیت‌مدنی بیشتر می‌بایست کارکرد جبرانی/ حمایتی داشته باشد (Magnus, 2002: 279).

با این‌وجود، چنانچه گفته شد، از نظر حقوقی؛ هدف مسئولیت‌مدنی، جبران خسارت وارده به زیان‌دیده است و اگر هدف تأمین‌اجتماعی نیز جبران در نظرگرفته شود، از این حیث، این دو نهاد؛ هدف واحدی را دنبال می‌کنند. البته نوع جبرانی که از سوی تأمین‌اجتماعی انجام می‌شود، از جبرانی که از مسئولیت‌مدنی انتظار می‌رود متفاوت است. به عبارت دیگر، منظور از جبران، صرفاً جبران ضرر نیست؛ بلکه معنای جبران، ترمیم یک جنبه نامطلوب از شرایط یا وضعیت زندگی اشخاص است. با این تعبیر، جبران به دو نوع جبران اصلاحی[1] و جبران بازتوزیعی[2] تقسیم شده است. جبران اصلاحی از سوی مسئولیت‌مدنی تأمین می‌شود و بر اساس آن، شخص باید به وضعیت قبل از ورود زیان برگردانده شود؛ درمقابل، در جبران بازتوزیعی، وضعیت شخص با گذشته او (قبل از ورود زیان) مقایسه نمی‌شود؛ بلکه به جای آن، وضع شخص با موقعیتی که سایر اشخاص دارند، مقایسه می‌شود. این نوع جبران از سوی تأمین‌اجتماعی و نظام‌های رفاه اجتماعی تأمین می‌شود. هدف اصلی این سیستم‌ها، کاهش تفاوت‌های بین اشخاص از طریق انتقال منابع از افراد داراتر به افراد با دارایی کمتر، از افراد سالم به سوی بیماران و از ثروتمند به سوی غیرثروتمند است. جبران بازتوزیعی، اساساً دید نسبت به آینده دارد؛ درحالی‌که جبران اصلاحی به گذشته نظر دارد. (Cane, 2006: 10)

به‌همین‌دلیل، برخی کارکرد تأمین‌اجتماعی را با توجه به عدم‌رعایت اصل جبران کامل خسارت و توجه به نیاز زیان‌دیده، حمایت اجتماعی و به عبارت دیگر، حمایت از تمامیت جسمی[3]

1 - Corrective compensation
2 - Redistributive compensation
3 -Protection of bodily integrity

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

زیان‌دیده دانسته‌اند و از این حیث گفته‌شده که تأمین‌اجتماعی برای زیان‌دیده، به عنوان «کمربند ایمنی اجتماعی»[1] عمل می‌کند. (Magnus, 2002: 279)

۲-۱. تمایز در مبنا

در حالی که در حقوق ایران، نظریه تقصیر به عنوان قاعده کلی پذیرفته شده است و در مواردداستثنایی، نظریه خطر مبنا قرارگرفته‌است؛ درخصوص مبنای تأمین‌اجتماعی گفته‌شده است که جبران زیان‌های برخاسته از حوادث ناشی ازکار یا بیماری‌های حرفه‌ای در قالب تأمین‌اجتماعی، به مسئولیت بدون‌تقصیر می‌ماند (Voirin, 1979: 541). این نظر ممکن است از این جهت که برای تحقق تعهد نهاد تأمین‌اجتماعی به ارائه مزایا، اثبات انتساب زیان وارده به تقصیر، یا حتی عمل یک عامل زیان لازم نیست، قابل‌توجیه باشد؛ بااین‌حال، مبنای طرح‌های تأمین‌اجتماعی را نباید در اوصاف عمل واردکننده زیان جستجو نمود؛ بلکه مبنای اصلی ایجاد حق بر تأمین‌اجتماعی، رفع یک نیاز خاص بیمه‌شده(Lunney & Oliphant, 2013: 950) و ایجاد امکان دستیابی به شرایط حداقلی زندگی برای وی‌است؛ بنابراین، در تأمین‌اجتماعی به این توجه نمی‌شود که چرا شخص در این وضعیت قرارگرفته و چه عاملی سبب ایجاد این وضعیت برای وی شده‌است؛ بلکه به این توجه می‌شود که آیا انصاف و انسانیت، بهبود آن وضعیت را ضروری می‌داند یا خیر؟ (Cane, 2006: 412) به همین دلیل است که برخی معتقدند حمایت‌ها و مزایای تأمین‌اجتماعی منشأ انسانی دارند (بادینی, ۱۳۸۷: ۴۲).

۳-۱. مقایسه شرایط تحقق مسئولیت‌مدنی و شرایط اعطای مزایای تأمین‌اجتماعی

برای تحقق مسئولیت‌مدنی، اجتماع سه رکن فعل زیانبار (که چنانچه مسئولیت‌مدنی مبتنی بر تقصیر باشد، می‌بایست همراه با تقصیر باشد)، ورود زیان، و وجود رابطه سببیت بین زیان وارده و فعل زیانبار برای تحقق مسئولیت‌مدنی ضروری‌است و قواعد مسئولیت‌مدنی زمانی اعمال می‌شود که خسارت، ناشی از حادثه‌ای باشد که طی آن، شخص ثالثی برای سبب ورود زیان شدن، مسئول شناخته شود. (Faure & Hartlief, 2002: 225) درحالی‌که این شرط در ارائه

1 -Social seat belt

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

مزایای تأمین‌اجتماعی وجود ندارد و جبران در تأمین‌اجتماعی، در صورت تحقق شرایط قانونی، صرف‌نظر از علت صدمات وارده انجام می‌شود (Lunney & Oliphant, 2013: 960).

استحقاق زیان‌دیده بر مزایای تأمین‌اجتماعی، صرف‌نظر از این خواهد بود که زیان وارده به وی، مستند به تقصیر کارفرما یا سایر اشخاص باشد و صرف ورود خسارت برای جبران کافی خواهدبود. (Faure & Hartlief, 2002: 229) همین ویژگی سبب‌شده تا برخی، نظام تأمین‌اجتماعی را مبتنی بر مسئولیت محض[1] بدانند. (WAGNER, 2012: 5)؛ بااین‌حال، برای تحقق مسئولیت محض، وجود فعل زیانبار و رابطه سببیت بین فعل مذکور و زیان وارده ضروری‌است؛ اما برای تحقق حق‌بیمه‌شدگان بر تأمین‌اجتماعی، صرف ورود زیان کافی است و ضرورتی وجود ندارد که این زیان، مستند به حادثه خاصی باشد، یا بین حادثه و زیان وارده به بیمه‌شده، رابطه سببیت باشد. البته در موارد استثنایی (نظیر غرامت نقص‌عضو یا مستمری ازکارافتادگی جزئی ناشی‌ازکار)، اعطای برخی مزایا، مشروط شده به اینکه زیان منتسب به یک حادثه، ناشی‌ازکار باشد؛ اما در این‌موارد نیز نیازی نیست که حادثه ناشی از تقصیر کارفرما باشد؛ بلکه هر نوع حادثه‌ای که به هر نحو، ناشی ازکار تلقی شود، برای‌استحقاق زیان‌دیده کافی خواهدبود.

مبنای این تفاوت چنین است که تأمین‌اجتماعی به جای تمرکز بر عمل زیانبار، بر زیان وارده متمرکز است (Cane, 2006: 10) و زیان وارده را از نگاه زیان‌دیده و با توجه به نیاز وی، می‌نگرد؛ درحالی‌که مسئولیت‌مدنی، زیان وارده را از نگاه عامل ورود زیان و با توجه به رفتار وی مدنظر قرار می‌دهد. (Faure & Hartlief, 2002: 229)؛(Magnus, 2002:279) بااین‌وجود، برای ایجاد حق بر تأمین‌اجتماعی نیز لازم‌است زیان‌دیده، یک وضعیت خاص[2](نظیر بیماری، ازکارافتادگی، فوت و ...) را ثابت کند و این وضعیت، مطابق شرایط قانونی مقرر[3] برای ارائه مزایا باشد (Faure & Hartlief, 2002: 225) و این گونه نیست که مزایای تأمین‌اجتماعی بدون‌قید و شرط در دسترس آحاد جامعه باشد.

1- Strict liability

2- Certain condition

۳ – این شرایط عمدتاً به داشتن سابقه پرداخت حق بیمه یا در مواردی، حد مشخصی از سابقه و در برخی موارد، ناشی از کار بودن حادثه یا حرفه‌ای بودن بیماری مربوط می‌شود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

٤-۱. مقایسه تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی از حیث قلمروی خسارات قابل‌جبران

برای مقایسه تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی، از این منظر، به دو موضوع می‌بایست توجه نمود؛ از یک‌سو، قلمروی زیان‌های قابل‌جبران در مسئولیت‌مدنی، گسترده‌تر از زیان‌های قابل‌جبران در تأمین‌اجتماعی‌است و برخی زیان‌هایی که در مسئولیت‌مدنی جبران می‌شود، از شمول تأمین‌اجتماعی خارج‌است. از سوی دیگر، درخصوص زیان‌هایی نیز که در شمول قانون تأمین‌اجتماعی هستند؛ برخلاف مسئولیت‌مدنی، اصل حداقلی‌بودن مزایای تأمین‌اجتماعی مانع از جبران کامل خسارت است. برای این منظور، در ادامه از این دو منظر به مقایسه تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی خواهیم پرداخت.

۱-٤-۱. عدم‌رعایت اصل جبران کامل خسارت در تأمین‌اجتماعی

هدف تأمین‌اجتماعی، ارائه جبران کافی، و نه لزوماً کامل برای زیان وارده به زیان‌دیده است (Magnus, 2002: 278) و مطابق اصل حداقلی‌بودن مزایای تأمین‌اجتماعی،[1] جبران ارائه‌شده از سوی تأمین‌اجتماعی معمولاً از نظر دوره ارائه مزایا و نیز از نظر مقدار محدود است. (Faure & Hartlief, 2002: 230)؛ بنابراین، خدمات ارائه‌شده از طریق تأمین‌اجتماعی، تنها شامل جبران جزئی خسارت وارده می‌شود (Viney, 2009: 48) . علت این ویژگی، ناتوانی نظام تأمین‌اجتماعی در ارائه جبران کامل خسارت و نیز لزوم گسترش پوشش تأمین‌اجتماعی به بیشترین تعداد زیان‌دیدگان است. [2] درمقابل، در مسئولیت‌مدنی؛ اصل جبران کامل خسارت[3] حاکم است که بر اساس آن، شخص مسئول می‌بایست زیان‌دیده را تا حدامکان به وضعیت سابق خود برگرداند[4] (WAGNER, 2012: 7) و درعین‌حال، مسئولیت‌مدنی نباید موجب بهتر شدن وضعیت زیان‌دیده نسبت به زمان قبل از ورود خسارت شود. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲: ۲۴۷).

1- Existenzsicherug

۲ – مبنای طرح‌های مبتنی بر بیمه‌های اجتماعی، عدالت توزیعی‌است و سعی بر آن می‌شود تا بیشترین تعداد زیان‌دیدگان، تحت پوشش قرار گیرند. این امر به ناچار منجر به محدود شدن میزان و قلمروی خسارت قابل‌جبران می‌شود. (بادینی, ۱۳۸۴, ص. ۵۸۹)

3- Le principe de réparation intégrale du préjudice

4 -‘’Make the victim whole again’’

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

یکی از آثار اعمال اصل لزوم جبران کامل خسارت در مسئولیت‌مدنی، این‌است که در دعاوی مسئولیت‌مدنی می‌بایست میزان خسارت در هر پرونده به طور خاص با توجه به خسارت واقعی وارده به زیان‌دیده تعیین شود و تعیین خسارت به طور مقطوع، مغایر این اصل خواهدبود؛ چرا که با تعیین مقطوع خسارت، این امکان وجود دارد که مبلغ مقطوع تعیین‌شده، حسب مورد بیشتر یا کمتر از خسارت واقعی وارده باشد؛ در مقابل، جبران‌خسارت از طریق تأمین‌اجتماعی دارای وصف مقطوع[1]است و تعیین خسارت قابل‌جبران با ارزیابی میزان واقعی زیان‌وارده در هر پرونده خاص از سوی قاضی به عمل نمی‌آید. (Voirin, 1979: 542) ؛ بلکه به جای آن، میزان مزایای تأمین‌اجتماعی به صورت نوعی از سوی قانون‌گذار، تعیین می‌شود و در محاسبه آن به زیان واقعی واردشده توجه نمی‌شود. (Magnus, 2002: 277) به همین دلیل است که گفته‌شده، ارائه مزایای تأمین‌اجتماعی به صورت انتزاعی و مستقل از اوضاع و احوال حاکم بر پرونده صورت می‌گیرد. (WAGNER, 2012: 9)

۲-٤-۱. قلمرو محدود زیان‌های تحت پوشش تأمین‌اجتماعی

در مسئولیت‌مدنی در موارد زیان‌های بدنی، عامل زیان در برابر هزینه‌های درمانی؛ جبران کامل حقوق از دست‌رفته، و هر زیان مالی دیگری مسئول‌است که در نتیجهٔ عمل زیانبار به زیان‌دیده واردشده‌است؛ در مقابل، جبران زیان از طریق تأمین‌اجتماعی، همه زیان‌های وارده به کارگران را شامل نمی‌شود. قلمروی حمایت آنها به انواع خاصی از زیان محدود می‌شود که شامل زیان شخصی[2]، بیماری و مرگ است. زیان‌های وارده به اموال و ضرر مالی صرف[3]، خارج از قلمروی حمایت تأمین‌اجتماعی‌است. (WAGNER, 2012: 7) ؛ چرا که موضوع بیمه‌های اجتماعی اصولاً تنها اشخاص‌است و اموال را دربر نمی‌گیرد؛ درحالی‌که مسئولیت‌مدنی شامل: خسارات وارده به اشخاص و اموال می‌شود (بادینی، ۱۳۸۴: ۵۹۰).

همچنین در مسئولیت‌مدنی، اصولاً جبران کامل زیان‌های غیرمالی و معنوی نظیر درد و رنج ناشی از صدمات وارده پذیرفته‌شده‌است؛ درحالی‌که جبران این زیان‌ها از قلمرو تأمین‌اجتماعی

1- Caractère forfaitaire
2 -Personal injury
3 -Pure financial losses

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

خارج است. (WAGNER, 2012: 7) چنانچه در بندهای ۱۳ و ۱۴ ماده ۲ قانون تأمین اجتماعی، کاهش قدرت کار بیمه به عنوان معیار ارزیابی ازکارافتادگی کلی یا جزئی در نظر گرفته شده است، نه آسیب‌های جسمی وارده به شخص.

در واقع، در حقوق تأمین اجتماعی، معیار جبران خسارت ازکارافتادگی؛ کاهش توانایی اشتغال یا درآمد مربوط به شغلی است که با اشتغال در آن، حق بیمه پرداخت شده است، نه صرفا نقص عضو.

۳-٤-۱. ارائه مزایای تأمین‌اجتماعی در مواردی که زیان به مفهوم مرسوم در مسئولیت‌مدنی مصداق ندارد

برای تحقق مسئولیت‌مدنی لازم است که زیانی تحت‌تأثیر عمل غیر به شخصی وارد شود. این زیان دارای مفهوم عرفی‌است و شامل هرگونه صدمه مادی یا معنوی وارده به شخص می‌شود. (صفایی و رحیمی, ۱۳۹۲: ۹۷). با این حال، برخی حمایت‌های تأمین‌اجتماعی (نظیر حمایت از اشخاص در برابر پیری) فراتر از مفهوم متعارف جبران‌خسارت است (بادینی، ۱۳۸۴: ۵۹۰) و در مواردی اعطا می‌شود که زیان به مفهوم مرسوم آن رخ نداده‌است.

۵-۱. عدم تأثیر نقش زیان‌دیده بر تأمین‌اجتماعی

مطابق قواعد عمومی‌مسئولیت‌مدنی، چنانچه تقصیر زیان‌دیده در ورود زیان، مشارکت داشته باشد؛ اگر نحوه مشارکت تقصیر وی موجب قطع رابطه سببیت بین عمل شخص خطاکار و زیان وارده شود؛ به گونه‌ای که عرف زیان وارده را منحصراً ناشی از عمل زیان‌دیده بداند؛ مسئولیت شخص خطاکار از بین خواهد رفت و همه زیان وارده به زیان‌دیده تحمیل می‌شود (ماده ۵۰۷ قانون مجازات اسلامی)؛ اما اگر زیان‌دیده، علت منحصر زیان نباشد؛ ولی بخشی از زیان وارده، ناشی از تقصیر او باشد، در این صورت به نسبت درجه تأثیر، تقصیر وی بر ورود زیان، از میزان خسارت قابل‌جبران کسر می‌شود (صفایی و رحیمی, ۱۳۹۲، ص. ۲۱۶.)

در مقابل، نهاد تأمین‌اجتماعی نمی‌تواند با اثبات اینکه کارگر سبب ورود خسارت‌شده است، از جبران‌خسارت امتناع کند (WAGNER, 2012: 5) و تقصیر زیان‌دیده، اصولا، تأثیری در ارائه

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

مزایای تأمین‌اجتماعی ندارد؛ هر چند ممکن‌است در برخی نظام‌های حقوقی در موارد اقدامات عمدی زیان‌دیده مؤثر باشد. (Faure & Hartlief, 2002: 231)

مبنای این تفاوت در آن است که چنانچه گفته شد، مبنای ارائه مزایای تأمین‌اجتماعی؛ رفع نیاز بیمه‌شده‌است و ارائه مزایای تأمین‌اجتماعی، صرف‌نظر از سبب بیماری یا از کار افتادگی صورت می‌گیرد (Faure & Hartlief, 2002: 230) و به همین دلیل است که حتی اگر تقصیر خود زیان‌دیده، زمینه‌ساز ورود خسارت‌شده باشد، این امر اصولاً مانع تقاضای زیان‌دیده برای دریافت مزایای تأمین‌اجتماعی نمی‌شود. دلیل دیگری که می‌توان برای این ویژگی تأمین‌اجتماعی ارائه نمود، به ارتباط آن با معاش بیمه‌شده و خانواده وی بر می‌گردد. در واقع، حتی اگر زیان‌دیده به واسطه تقصیر خود در ورود خسارت، نقش داشته باشد؛ محروم‌نمودن وی از امرار معاش، کیفر عادلانه‌ای برای تقصیر وی نخواهدبود؛ ضمن اینکه خانواده وی نیز که از مزایای تأمین‌اجتماعی بهره‌مند می‌شوند، اساساً استحقاق تحمل چنین کیفری را ندارند. بااین‌حال، در حقوق فرانسه مطابق بند ۱ ماده L453-1، اگر حادثه ناشی از تقصیر عمدی زیان‌دیده باشد، بیمه‌شده حق دریافت مستمری یا غرامت را نخواهد داشت و اگر تقصیر غیرقابل‌اغماض وی موجب حادثه باشد، کاهش مزایای وی پیش‌بینی‌شده‌است (Terré, Simler, & Lequette, 2005).

٦-۱. تمایز در تشریفات رسیدگی

برای اثبات و اعمال قواعد مسئولیت‌مدنی، جز در مواردداستثنایی که طرفین بدون‌مراجعه به دادگاه بر میزان خسارت قابل‌جبران مصالحه می‌کنند، اصولا رجوع زیان‌دیده به دادگاه و اقامه دعوای مسئولیت‌مدنی لازم است.

در مقابل، ارائه مزایای تأمین‌اجتماعی بدون‌رعایت تشریفات مرسوم موجود برای اقامه دعوای مسئولیت‌مدنی به عمل می‌آید. کارگر درخواست خود را برای دریافت مزایا ارائه می‌کند و در صورت رد درخواست وی از سوی نهاد تأمین‌اجتماعی، در غالب نظام‌های حقوقی از طریق روش‌های جایگزین حل و فصل اختلافات[1] و در ایران، دیوان عدالت اداری، اختلاف وی بررسی

1 - Alternative dispute resolution

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

می‌شود؛ درنتیجه ارائه مزایای تأمین‌اجتماعی در غالب موارد، ارائه مزایا بدون‌دخالت دادگاه صورت گیرد(WAGNER, 2012: 9).

این ویژگی هم سبب افزایش سرعت در ارائه مزایای تأمین‌اجتماعی می‌شود و هم سبب کاهش هزینه‌های اداری جبران زیان از طریق تأمین‌اجتماعی در برابر نظام مسئولیت‌مدنی می‌شود (WAGNER, 2012: 9) . مبنای این تفاوت نیز به نقش تأمین‌اجتماعی در لزوم رفع نیاز و تأمین حداقل شرایط زندگی برای زیان‌دیده برمی‌گردد؛ چرا که باتوجه به فوریت رفع نیاز زیان‌دیده، اگر وی را ملزم به رجوع به دادگستری برای دریافت مزایا بدانیم، طولانی‌بودن جریان رسیدگی، وضعیت دشواری برای وی ایجاد می‌کند.

۲. نظریات مختلف درخصوص رابطه حقوق تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی

در مبحث قبل، مشخص شد که مجموعه کارکردهای جبران زیان‌های وارده به اشخاص، حمایت از شهروندان نیازمند و لزوم تغییر در رفتار فعالان به منظور اتخاذ تدابیر پیشگیرانه برای تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی مدنظراست. اختلاف در میزان کارآمدی هر یک از این نهادها در تحقق اهداف مذکور، سبب‌شده تا درخصوص سهم هر یک از آنها در جبران زیان‌های شخصی، رویکردهای متفاوتی مطرح شود. چهار رویکرد مختلف در این زمینه وجود دارد: ۱. جایگزینی کامل مسئولیت‌مدنی با تأمین‌اجتماعی. ۲. اعمال موازی نظام تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی بدون‌هیچگونه وابستگی متقابل‌بین آنها که از منظر زیان‌دیده به معنای جمع تمام جبران‌های ممکن است. بین این دو رویکرد افراطی، راه‌حل‌های میانه‌ای نیز وجود دارد که بر اساس آنها تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی می‌بایست جایگاه یکدیگر را لحاظ کنند: ۳. جایگزینی جزئی تأمین‌اجتماعی که بر اساس آن، تأمین‌اجتماعی در حوزه‌های خاص (به خصوص حوادث ناشی‌ازکار)، جایگزین مسئولیت‌مدنی‌شده است. ۴.تعامل مسئولیت‌مدنی و تأمین‌اجتماعی که بر اساس آن، مزایای ارائه‌شده از سوی تأمین‌اجتماعی از مسئولیت‌مدنی کسر می‌شود. البته در کشورهایی که چنین رویکرد پذیرفته‌شده‌ای از حیث امکان رجوع نهاد تأمین‌اجتماعی به عامل زیان اختلاف هست و درحالی‌که در غالب کشورها، امکان رجوع نهاد

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

تأمین‌اجتماعی به عامل زیان داده می‌شود، در برخی از آنها، این حق پیش‌بینی‌نشده‌است (Faure & Hartlief, 2002: 256).

درهرحال، آنچه باید در پذیرش هر یک از رویکردهای بالا مدنظر قرار گیرد، این‌است که با اعمال قواعد تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی، نه باید زیان‌دیده دارا شود و بیش از زیانی که به وی واردشده است، دریافت نماید و نه زیان‌دیده از جبران بخشی از زیانی که به وی وارد آمده، محروم شود و عامل ورود زیان به نحو غیرقابل‌توجیهی از مسئولیت مبرا شود (Magnus, 2002: 283).

۱-۲. جایگزینی کامل تأمین اجتماعی(حذف مسئولیت مدنی)

مطابق این رویکرد، مسئولیت‌مدنی در جبران خسارات بدنی، ناکارآمد بوده است و نه‌تنها در جبران‌خسارت موفق نیست؛ بلکه نقش مؤثری در زمینه بازدارندگی نیز ندارد؛ درحالی‌که تأمین‌اجتماعی، دستیابی به درمان رایگان و مزایای حداقلی لازم برای امرار معاش را به همه شهروندان نیازمند نظیر زیان‌دیدگان حوادث، صرف‌نظر از سبب حادثه یا تقصیر، تضمین می‌کند؛ به‌همین‌دلیل، برخی، این وضعیت را نشانه مرگ مسئولیت‌مدنی[1] دانسته‌اند. (Fleming, 1984: 1195)؛ علاوه بر این، تنها جزء کوچکی از خساراتی که در جامعه ایجاد می‌شود، توسط مسئولیت‌مدنی جبران می‌شود و بخش بزرگ‌تر آن، توسط تأمین‌اجتماعی جبران می‌شود و مسئولیت‌مدنی تنها در شرایط خاص (انتساب زیان به عمل شخص ثالث و احتمالاً تقصیر وی) دخالت می‌کند. (Faure & Hartlief, 2002: 241) بنابراین، منظور از جایگزینی، این‌است که تأمین‌اجتماعی کاملاً مسئولیت‌مدنی را از میدان به‌در کند و جبران خسارات بدنی منحصراً برعهدهٔ نهاد تأمین‌اجتماعی قرار گیرد. (Magnus, 2002: 280) در این صورت، مسئولیت‌مدنی به مفهوم کنونی از بین می‌رود و جای خود را به تضمین دولتی و اجتماعی می‌دهد. [2] (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۷۰)

دلایل مختلفی در توجیه حذف مسئولیت‌مدنی و جایگزینی آن با تأمین‌اجتماعی ارائه‌شده‌است:

---

1 -Death of tort

۲ – عکس این قضیه هیچ‌گاه مطرح‌نشده که تأمین‌اجتماعی حذف شود و مسئولیت‌مدنی جایگزین آن شود. (Magnus, 2002, p. 280)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

۱. ایراد اصلی که به نظام مسئولیت‌مدنی واردشده، این‌است که هزینه‌هایش بیش از مزایای آن‌است و اهدافی که برای مسئولیت‌مدنی مطرح‌شده یا به دست نیامده‌است، یا به نحو ناکارآمدی دنبال‌شده‌است؛ به‌همین‌دلیل، جایگزینی مسئولیت‌مدنی با یک طرح عام جبران‌خسارت یا ازکارافتادگی[1] مطرح‌شده‌است. [2] (Sugarman, 1985: 559) چرا که، تأمین‌اجتماعی بیشتر نیازهای مردم را به صورت کارآمدتر و ارزان‌تر تأمین می‌کند. هر چند مزایای تأمین‌اجتماعی از نظر میزان، کمتر از خسارات مسئولیت‌مدنی‌است؛ اما این، ما به‌ازای قابل‌قبولی برای کمک به عده بیشتری از نیازمندان‌است (Cane, 1997: 233).

۲. مسئولیت‌مدنی در عمل در پیشگیری از حوادث مؤثر نبوده‌است و به این دلیل باید رها شود. برخی نیز معتقدند که جبران سریع، کامل و متحدالشکل به راحت‌ترین شکل ممکن توسط نهادهای عمومی نظیر تأمین‌اجتماعی صورت می‌گیرد و نیازی به وجود مسئولیت‌مدنی نیست (SKOGH, 1980: 67).

۳. حجم بالای خسارات قابل‌جبران در مسئولیت‌مدنی، سبب ترجیح بلامرجح به نفع کسانی می‌شود که خسارت بدنی وارده به آنها در قلمروی مسئولیت‌مدنی قرار می‌گیرد (Cane, 1997: 233) ؛ درحالی‌که تعاون اجتماعی ایجاب می‌کند که خطرهای ناشی از زندگی جمعی، عادلانه توزیع شود و همه به اشتراک، این بار را به دوش بکشند (کاتوزیان، ۱۳۹۰:۱۷۰)؛ همچنین، نیاز زیان‌دیده، هیچ ارتباطی به سبب یا نوع خسارت ندارد و دلیلی برای ترجیح کسانی که در اثر فعل یا تقصیر دیگران متضررشده‌اند، بر کسانی که بر اثر دلایلی نظیر زلزله یا صاعقه آسیب دیده‌اند، وجود ندارد (بادینی، ۱۳۸۴: ۵۹۹).

بااین‌حال جایگزینی کامل از جهات مختلف مورد ایراد قرارگرفته است:

۱. جایگزینی کامل، در مواردی که اعمال قواعد مسئولیت‌مدنی برای زیان‌دیده، مزایای بالاتری از آنچه تأمین‌اجتماعی ارائه می‌کند، به همراه دارد؛ به طور ناروا به ضرر زیان‌دیده‌است؛ در واقع، حذف مسئولیت‌مدنی و جایگزینی آن با مکانیزم‌های جبران جمعی، مستلزم این‌است که این

1- General accident or disability compensation

۲ -ایشان برای تأمین مالی نظام تأمین‌اجتماعی پیشنهاد می‌کنند، مزایای کوتاه‌مدت با استفاده از درآمدهای شرکت از سوی کارفرما پرداخت شود و منابع لازم برای مزایای بلندمدت از طریق درآمدهای مالیاتی تأمین شود. (Sugarman, 1985, : 664)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

مکانیزم‌ها، تضمیناتی برابر با مسئولیت‌مدنی به زیان‌دیده ارائه نمایند. از آنجایی که این امر به دلیل محدودیت منابع مالی و نامحدودبودن میزان خساراتی که به اشخاص وارد می‌شود، ممکن نیست؛ حفظ مسئولیت‌مدنی به نفع اشخاص زیان‌دیده، به صورت یک دعوای تکمیلی یا حداقل یک اختیار در استفاده از مسئولیت‌مدنی، لازمه تحقق عدالت است (Viney, 2009: 66) .

۲. جبران‌خسارت از طریق طرح‌های عام تأمین‌اجتماعی و حذف مسئولیت‌مدنی، موجب تحمیل هزینه‌های گسترده بر نهاد تأمین‌اجتماعی می‌شود که این هزینه‌ها می‌بایست از طریق افزایش حق‌بیمه‌ها یا کمک دولت جبران شود که نتایج ناعادلانه‌ای درپی خواهد داشت و موجب می‌شود که شخص مقصری که به‌لحاظ اخلاقی مکلف به جبران‌خسارت‌است، از مسئولیت مبراشده و به جای آن، هزینه جبران‌خسارت به عموم مردم، از طریق افزایش مالیات‌ها یا عموم بیمه‌شدگان از طریق افزایش حق‌بیمه تحمیل شود.

۳. حذف مسئولیت‌مدنی و جایگزینی آن با تأمین‌اجتماعی یا طرح‌های جبران‌خسارت بدون‌تقصیر[1]، موجب تضعیف بازدارندگی و کاهش انگیزه اعمال اقدامات احتیاطی در عوامل ورود زیان درصورت حذف تهدید مسئولیت است (WAGNER, 2012: 5) .

۴. نقطه‌ضعف طرح‌های تأمین‌اجتماعی عام که صرف‌نظر از علت، مزایای قابل‌توجه ارائه می‌کنند، خطر اخلاقی ناظر به گذشته یا به عبارت دیگر، سوءاستفاده و تقلب[2]است. نهادهای ناظر بر تأمین‌اجتماعی قادر نخواهندبود به‌خوبی تقلب را کنترل کنند. ایراد دیگر، خطر اخلاقی ناظر به آینده[3]درقالب کاهش احتیاط و مراقبت است (WAGNER, 2012: 59).

درهرحال، تاکنون تنها در نیوزیلند، یک طرح جامع تأمین‌اجتماعی ایجادشده که بر اساس آن، همه مصادیق زیان‌های بدنی به جای حقوق مسئولیت‌مدنی سنتی، در قالب تأمین‌اجتماعی جبران می‌شوند (Magnus, 2002: 280) و نظام مسئولیت‌مدنی جبران‌خسارت بدنی(صرف‌نظر از نوع حادثه) الغاء شده است. (بادینی, ۱۳۸۴: ۶۰۴) در کشورهایی نظیر انگلستان و هلند[4] نیز که

---

1 -No-fault schemes

2 - Ex post moral hazard, i.e., abuse and fraud

3 - Ex ante moral hazard

۴ – این رژیم در هلند با قانون حوادث ۱۹۰۱ ایجاد شد و به موجب آن برای کارگران مزایای تأمین‌اجتماعی پیش بینی شد و برای کارفرما تقریباً مصونیت در نظر گرفته شد. (Faure & Hartlief, 2002, p. 256)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

در گذشته به این سمت گرایش داشتند، امروزه سیستم‌های جبران‌خسارت کارگران رهاشده و ترکیبی از مزایای عام تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی کارفرما، جایگزین آن‌شده است. (WAGNER, 2012: 59)

بنابراین، به‌نظر می‌رسد با توجه به ناتوانی تأمین‌اجتماعی در جبران کامل خسارت از یک سو و نقشی که مسئولیت‌مدنی در تحقق بازدارندگی دارد، الغای کامل مسئولیت مدنی آرمانی دست نیافتنی و دور از واقعیت بوده (بادینی، ۱۳۸۴: ۵۹۰) و جایگزینی کامل مسئولیت‌مدنی با تأمین‌اجتماعی، مطلوب نیست. (WAGNER, 2012: 59) هر چند، تردیدی نیست که گسترش تأمین‌اجتماعی سبب کاهش اهمیت مسئولیت‌مدنی شده است (Viney, 2009: 77).

۲-۲. جایگزینی جزئی تأمین اجتماعی

۱-۲-۲. مفهوم و جایگاه جایگزینی جزئی در نظام‌های حقوقی

منظور از جایگزینی جزئی، جایگزینی تأمین‌اجتماعی به جای مسئولیت‌مدنی در زمینه برخی حوادث، به‌خصوص حوادث ناشی‌ازکار بوده است و شامل جایگزینی آن به صورت عام و نسبت به همه حوادث نمی‌شود. (بادینی، ۱۳۸۴: ۵۹۵) نتیجه جایگزینی جزئی در حوزه حوادث ناشی‌ازکار، این خواهد بود که کارفرما و گاه کارگران یا مدیران وی از مسئولیت‌مدنی (چه در قالب رجوع نهاد تأمین‌اجتماعی به وی و چه در قالب رجوع زیان‌دیده به کارفرما بابت مطالبه مابه‌التفاوت مزایای تأمین‌اجتماعی و زیان وارده) مصون باشد. (Magnus, 2002: 280)

بنابراین، جایگزینی جزئی بر اصل مصونیت کارفرما از مسئولیت‌مدنی[1] استوار است.

منظور از اصل مصونیت کارفرما از مسئولیت‌مدنی، عدم امکان اقامه دعوای مسئولیت‌مدنی بر وی، بابت زیان‌های ناشی از حوادث ناشی‌ازکاراست. این مصونیت در مواردی به کارگران و گاه به مدیران وی نیز تسری یافته است. این قاعده در حقوق فرانسه در ماده L451-1 قانون تأمین‌اجتماعی پیش‌بینی‌شده است[2]و تنها نسبت به کارفرما و کارگرانی اعمال می‌شود که

---

1 - Le principe de l'immunité de responsabilité civile de l'employeur et de ses préposés / Immunity of Employers

۲ – این حکم در سال ۲۰۱۰ توسط شورای قانون اساسی فرانسه، منطبق با قانون اساسی دانسته شد. (décision n° 2010-8 QPC du 18 juin 2010)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

زیان‌دیده در آن کارگاه کار می‌کند و بدان تعلق می‌گیرد؛ درنتیجه، اشخاص ثالثی که حادثه به آنها منتسب است، نه‌تنها از سوی کارگر زیان‌دیده برای تقاضای جبران تکمیل‌کننده آنچه از صندوق دریافت نموده‌اند، قابل‌تعقیب هستند؛ بلکه صندوق تأمین‌اجتماعی نیز حق اقامه دعوای‌استرداد بر آنها را بابت مزایایی که پرداخت نموده‌است، دارد (Viney, 2009: 77).

گفته‌شده است در هیچ‌یک از کشورهای اتحادیه اروپا، مسئولیت‌مدنی کاملاً حذف‌نشده و بار جبران‌خسارت بدنی منحصراً بر عهدهٔ تأمین‌اجتماعی قرار نگرفته است.

بااین‌حال، در بسیاری از این کشورها، جایگزینی جزئی تأمین‌اجتماعی به جای مسئولیت‌مدنی مطرح‌شده‌است (Magnus, 2002: 280) .

در بلژیک (Cousy & Droshout, 2002: 39) ، آلمان(Fedtke & Magnus, 2002: 97) و فرانسه (Carval, 2002: 77) ، جایگزینی جزئی در زمینه حوادث ناشی‌ازکار، محقق‌شده و مصونیت کارفرما و کارگران وی(همکاران زیان‌دیده)، پیش‌بینی‌شده است؛ هرچند در فرض عمد عامل، زیان این مصونیت اعمال نمی‌شود. در اتریش نیز جایگزینی، جزئی پذیرفته‌شده و دعوای مسئولیت‌مدنی کارگر بر کارفرما و مدیران وی (حتی در فرض تقصیر) مسموع نیست و تنها در فرض عمد ایشان است که کاملاً مسئول خواهند بود (Holzer, 2002: 11) . در سوئیس نیز کارفرما و همکاران کارگر، از مسئولیت مصون هستند؛ اما این مصونیت، علاوه بر فرض عمد ایشان، در صورت تقصیر سنگین آنها نیز منتفی خواهد بود [۱] (Rumo-Jungo, 2002: 202).

نتیجه این وضعیت چنین خواهدبود که در زمینه حوادث ناشی‌ازکار، خسارت تا سقف مشخصی از سوی نهاد تأمین‌اجتماعی، بدون‌توجه به تقصیر عامل زیان، جبران می‌شود؛ اما برای مطالبه مازاد آن از کارفرما، می‌بایست نه‌تنها تقصیر اثبات شود؛ بلکه تقصیر وی باید عمدی یا غیرقابل‌اغماض باشد. (Terré, Simler, & Lequette, 2005: 897-899)

---

۱ - در مقابل‌در انگلستان(Lewis, 2002: 61) و هلند پس از ۱۹۶۷ اصل مصونیت کارفرما از قوانین این کشور حذف‌شده و حتی جایگزینی جزئی نیز صورت نگرفته‌است و کارفرما از مسئولیت‌مدنی بابت مابه‌التفاوت مزایای تأمین‌اجتماعی و زیان‌وارده مصون نیست درنتیجه، در این کشورها تعامل مسئولیت‌مدنی و تأمین‌اجتماعی حاکم است، نه جایگزینی (du Perron & van Boom, 2002).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

۲-۲-۲. نقد جایگزینی جزئی

در توجیه جایگزینی جزئی و اصل مصونیت کارفرما گفته‌شده است که حق‌بیمه پرداختی وی، مابه‌ازای این مصونیت است و آنها با پرداخت حق‌بیمه تأمین‌اجتماعی تا حدی، مصونیت خود را خریداری نموده‌اند (Holzer, 2002: 14) ؛ همچنین در توجیه آن به آثار دعوای حقوقی بر جّو کار در درون شرکت نیز اشاره شده‌است. (Magnus, 2002: 283)

بااین‌حال به‌نظر می‌رسد این دلایل، قانع‌کننده نیست و حق‌بیمه پرداختی از سوی کارفرما نمی‌تواند مبنای معافیت وی از مسئولیت‌مدنی نسبت به خسارات مازاد بر مزایای تأمین‌اجتماعی تلقی‌شود؛ همچنین نسبت به آن دسته از عوامل ورود زیان که تعهدی به مشارکت در طرح تأمین‌اجتماعی و پرداخت حق‌بیمه ندارند (همکاران کارگر)، توجیه معافیت آنها بر پایه پرداخت حق‌بیمه ممکن نیست (Magnus, 2002: 283).

در واقع، همان‌طور که گفته شد، برای اتخاذ یک رویکرد مناسب در زمینه ارتباط مسئولیت‌مدنی و تأمین‌اجتماعی، لازم‌است به این اصل توجه شود که جمع همزمان مزایای آن دو، سبب دارا شدن ناعادلانه زیان‌دیده نشود و اعمال منحصر یکی از آنها موجب نشود که بخشی از زیان وارده به زیان‌دیده، بدون جبران باقی بماند.

جایگزینی جزئی مسئولیت‌مدنی با تأمین‌اجتماعی و به‌تبع آن، پذیرش اصل مصونیت کارفرما به عنوان اصل، ممکن‌است سبب شود که در مواردی، زیان وارده به زیان‌دیده به‌طور کامل جبران نشود و از این حیث، بین شخصی که در اثر حوادث ناشی‌ازکار، زیان‌دیده و شخصی که در اثر سایر حوادث زیان‌دیده است، تبعیض ایجاد شود. محدود کردن رجوع زیان‌دیده به کارفرما بابت خسارات مازاد بر مزایای تأمین‌اجتماعی به تقصیر عمدی یا غیرقابل‌اغماض، مانع رجوع به وی در موارد تقصیر قابل‌اغماض یا غیرعمدی می‌شود و امکان جبران‌خسارت زیان‌دیده را از بین‌می‌برد؛ علاوه بر این، اتخاذ چنین رویکردی می‌تواند سبب کاهش انگیزه اعمال تدابیر پیشگیرانه در کارفرما شود. (Faure & Hartlief, 2002: 243)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

۳-۲. اعمال موازی نظام‌های تأمین‌اجتماعی و مسئولیت مدنی (جمع مزایای تأمین اجتماعی و جبران‌خسارت)

مطابق این رویکرد، شخصی که مستحق دریافت مزایا براساس تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی‌است، حق خواهد داشت از هر دو سیستم، مزایا دریافت نماید. این سیستم، تجمیع[1] خوانده‌شده است. (Cane, 2006: 377) در این خصوص گفته‌شده که در ایالات متحده، چنین قاعده‌ای اعمال می‌شود. بر اساس «قاعده منبع جنبی»[2]، دریافت خسارت، از منبعی غیر از مسئولیت‌مدنی، مانع اقامه دعوای مسئولیت‌مدنی از سوی زیان‌دیده نخواهد بود (درودیان, بادینی و ایزانلو، ۱۳۸۴: ۱۲۶۶).

چهار توجیه اصلی می‌توان برای جمع مزایای تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی ارائه نمود:

اولاً، برای امکان یا عدم‌امکان جمع مسئولیت‌مدنی و مزایای تأمین‌اجتماعی می‌بایست ماهیت مزایای تأمین‌اجتماعی بررسی شود. اگر این مزایا دارای ماهیت جبرانی باشد، امکان جمع آنها با مسئولیت‌مدنی وجود ندارد و اگر این مزایا غیرجبرانی باشد، امکان جمع آنها وجود دارد. (Viney & Jourdain, 1998: 89)؛بنابراین، اگر گفته شود که مزایای تأمین‌اجتماعی، کارکرد جبرانی ندارد، جمع مزایای تأمین‌اجتماعی و قواعد مسئولیت‌مدنی ممکن است.

ثانیاً، اگر در زمینه خسارات بدنی، استدلال شود که آنچه مطابق قواعد عمومی،کارگر دریافت می‌نماید، ماهیت خسارت ندارد؛ چنانچه در حقوق ایران، برخی معتقدند که دیه ماهیتاً خسارت نیست و مجازات است؛ در این صورت، ممکن‌است جمع مزایای تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی قابل‌دفاع باشد (ایزانلو, ۱۳۸۷: ۴۳).

ثالثاً، برخی ضرورت اعمال قواعد مسئولیت‌مدنی در کنار اعطای مزایای تأمین‌اجتماعی را بر مبنای لزوم حفظ کارکرد بازدارنده مسئولیت‌مدنی توجیه نموده‌اند. (درودیان, بادینی و ایزانلو، ۱۳۸۴: ۱۲۶۶)؛ چرا که در صورت جمع مزایا، عامل ورود زیان، تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند از زیر بار جبران‌خسارت بگریزد و دراین صورت، نقش مسئولیت‌مدنی در کاهش رفتار ضد اجتماعی حفظ خواهد شد (بادینی, ۱۳۸۷: ۳۵۴).

---

1 - cumulation
2- collateral source rule

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

رابعاً، این‌استدلال مطرح‌شده که مزایای تأمین‌اجتماعی، عوض حق‌بیمه‌های پرداخت‌شده است و درنتیجه، نمی‌توان به‌استناد آن، زیان‌دیده را از حمایت عمومی‌که برای زیان‌دیدگان از طریق دعوای مسئولیت‌مدنی وجود دارد، محروم نمود. (درودیان, بادینی و ایزانلو، ۱۳۸۴: ۱۲۶۷)؛ به عبارت دیگر، پرداخت‌های سازمان تأمین‌اجتماعی، تکلیف قانونی این سازمان به پرداخت مبلغی در ازای دریافت حق‌بیمه‌است و مبلغ پرداختی از باب مسئولیت‌مدنی نیست. (صفایی و رحیمی, ۱۳۹۲: ۱۰۹).

بااین‌حال، این رویکرد از جهات مختلف انتقاد شده است:

۱. در این حالت ممکن‌است شخص، بیش از خساراتی که به وی واردشده‌است، دریافت نماید و این وضعیت منجر به جبران بیش از حد[1]برای وی می‌شود. (Cane, 2006: 377)؛ درحالی‌که مطابق قواعد عمومی، رسالت مسئولیت‌مدنی، تنها برگرداندن زیان‌دیده به وضعیت قبل از ورود زیان است و نباید زمینه‌ساز دارا شدن زیان‌دیده شود؛ در واقع، حتی اگر ماهیت مزایای تأمین‌اجتماعی را جبرانی هم تلقی نکنیم، اعطای این مزایا، سبب کاهش خسارت وارده به زیان‌دیده می‌شود و درنتیجه، کاستن آنها از خسارت قابل‌جبران وی بر اساس مسئولیت‌مدنی اجتناب‌ناپذیر خواهدبود.

۲. اگر پس از دریافت مزایای تأمین‌اجتماعی، کارگر بتواند علیه کارفرما دعوای مسئولیت‌مدنی اقامه نماید، کارگر غرامت مضاعف دریافت نموده‌است؛ در مقابل، کارفرمایان علاوه بر اینکه مکلفند منابع مالی نظام تأمین‌اجتماعی را تأمین نمایند، خسارت وارده به کارگران نیز بر عهده آنها قرار می‌گیرد. هزینه این جبران دوگانه، معمولاً از جیب کارگران دیگر آن کارگاه تأمین می‌شود که احتمالاً مجبورند با دستمزد کمتر کار کنند. به این دلایل، شمول نظام تأمین‌اجتماعی اصولا نباید با دعوای شخصی مسئولیت‌مدنی جمع شود (WAGNER, 2012: 10).

۳. نظام‌های حقوقی که تأمین‌اجتماعی را در کنار مسئولیت‌مدنی اعمال می‌کنند، بار دوگانه‌ای بر جامعه تحمیل می‌کنند (WAGNER, 2012: 59) که منجر به استفاده نادرست و اسرافکارانه از منابع می‌شود. (Cane, 2006: 377)

1 - Over-compensation

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

۴. برای تحقق بازدارندگی، رجوع کامل زیان‌دیده به عامل ورود زیان بابت جبران‌خسارت لازم نیست و رجوع وی به میزان مازاد مزایای تأمین‌اجتماعی، و یا حتی رجوع نهاد تأمین‌اجتماعی به عامل زیان بابت مزایای ارائه‌شده، کافی خواهدبود و ضرورتی به جمع مزایای تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی برای زیان‌دیده وجود نخواهد داشت. چنانچه گفته‌شده، بازدارندگی جبران‌خسارت مضاعف زیان‌دیده را توجیه نمی‌کند. (درودیان، بادینی، ایزانلو، ۱۳۸۴: ۱۲۶۷)

۵. در رد استدلال مبتنی بر عوض حق‌بیمه‌بودن مزایای تأمین‌اجتماعی، نیز گفته‌شده است: «در قلمرو تأمین‌اجتماعی نمی‌توان به این‌استدلال که مبتنی بر حقوق خصوصی‌است، تمسک جست.»؛ چراکه بین حق‌بیمه‌های پرداخت‌شده و مزایای ارائه‌شده، رابطه متقابل وجود ندارد (درودیان، بادینی، ایزانلو، ۱۳۸۴: ۱۲۶۷).

٤-۲. تعامل و اثر متقابل‌مسئولیت مدنی و تأمین اجتماعی

مطابق این رویکرد، قواعد مسئولیت‌مدنی و تأمین‌اجتماعی همزمان اعمال می‌شوند؛ اما این به منزله جمع مزایا نخواهدبود و هر یک در هنگام جبران خسارت، طرف مقابل را در نظر می‌گیرند و در واقع، مسئولیت‌مدنی در کنار تأمین‌اجتماعی دارای نقش فرعی و تکمیل‌کننده[1]بوده است (Voirin, 1979: 542) و درحالی‌که تأمین‌اجتماعی، نیازهای مالی اساسی زیان‌دیده را تأمین می‌کند، مسئولیت‌مدنی جبران اضافی‌ای را که به این میزان ضروری نیست تأمین می‌کند (WAGNER, 2012: 36)؛ بدین‌ترتیب، جبران زیان از سوی نهاد تأمین‌اجتماعی، مانع اعمال قواعد مسئولیت‌مدنی نیست و زیان‌دیده حق خواهدداشت بابت مابه‌التفاوت خسارت واقعی، و آنچه تأمین‌اجتماعی جبران نموده‌است و نیز خساراتی که از شمول مزایای تأمین‌اجتماعی خارج‌است، به عامل زیان رجوع نماید؛ همچنین، نهاد تأمین‌اجتماعی نیز، تحت شرایطی می‌تواند بابت هزینه‌هایی که متقبل‌شده به عامل زیان مراجعه نماید (Viney, 2009: 66). درعین‌حال، امکان جمع مزایای تأمین‌اجتماعی و جبران‌خسارت وجود ندارد و مزایای تأمین‌اجتماعی می‌بایست از خسارت قابل‌جبران کسر

1 -Le rôle résiduel de la responsabilité civile

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

شود.[۱] جنبه دیگر تعامل مسئولیت‌مدنی و تأمین‌اجتماعی، استفاده نهاد تأمین‌اجتماعی از مسئولیت‌مدنی برای استرداد مزایای پرداختی به زیان‌دیده از مسئول حادثه‌است. (Faure & Hartlief, 2002: 228)؛ درنتیجه، پس از جبران‌خسارت از سوی نهاد تأمین‌اجتماعی، این مرجع حق دارد در قالب دعوای‌استرداد به عامل زیان مراجعه نماید. (Viney, 2009: 67)؛ بااین‌حال، این دعوا امروزه نه‌تنها علیه عامل زیان، بلکه علیه بیمه مسئولیت‌مدنی وی نیز اقامه می‌شود (Viney, 2009: 73).

از نظر حقوقی، دو مزیت اصلی برای امکان رجوع نهاد تأمین‌اجتماعی به عامل ورود زیان در نظرگرفته‌شده‌است:

۱. رجوع تأمین‌اجتماعی به عامل زیان، برای تحقق اهداف مسئولیت‌مدنی نظیر بازدارندگی و عدالت اصلاحی مفید خواهدبود (Cane, 2006: 377) و موجب حفظ نقش اخلاقی و پیشگیرانه مسئولیت‌مدنی می‌شود. (Viney, 2009: 73)

۲. رجوع نهاد تأمین‌اجتماعی به عامل ورود زیان موجب می‌شود که هزینه اجتماعی جبران کاهش یابد (Viney, 2009: 73) و بار مالی تحمیل‌شده بر نهاد ارائه‌دهنده مزایای تأمین‌اجتماعی تا حدودی جبران شود.

این رویکرد با ویژگی حداقلی‌بودن مزایای تأمین‌اجتماعی سازگاراست. در واقع، هدف نظام تأمین‌اجتماعی این‌است که شرایط حداقلی را برای زیان‌دیده فراهم آورد، نه جبران کامل خسارت؛ چرا که در جبران‌خسارت از طریق تأمین‌اجتماعی، اصل جبران کامل خسارت رعایت نمی‌شود و خسارت به نرخ مقطوع جبران می‌شود؛ درنتیجه، ممکن‌است بخشی از زیان وارده بدون جبران باقی بماند، از جمله از دست‌دادن کسری از حقوق که از سقف ارائه مزایای تأمین‌اجتماعی فراتر می‌رود و عدم‌امکان جبران برخی زیان‌های خاص نظیر خسارت معنوی یا خسارت وارده به اموال از طریق تأمین‌اجتماعی (Voirin, 1979: 554). دلیل عدم‌جبران کامل خسارت از سوی تأمین‌اجتماعی نیز اقتصادی است؛ چرا که از یک‌سو، هزینه بالای جبران کامل

---

۱ – البته در حقوق ایران با توجه به اینکه در ازای خسارات جانی برای زیان‌دیده، تنها حق دریافت دیه پیش‌بینی‌شده و مطالبه خسارت مازاد بر دیه محل بحث‌است، گزاره مذکور هم از این جهت که نمی‌توان مزایای ارائه‌شده از سوی تأمین‌اجتماعی را از مبلغ دیه کاست؛ و هم از این جهت که مطالبه خسارت ناشی از درآمد از دست‌رفته و خسارات معنوی در مبلغ مقطوع دیه مستغرق‌است، صادق نیست.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

خسارت برای نهاد تأمین‌اجتماعی سبب افزایش حق‌بیمه‌ها یا تحمیل فشار بیشتر به‌بودجه‌های عمومی می‌شود.

از سوی دیگر، خسارات غیرمالی برای هر شخص متفاوت خواهدبود؛ درحالی‌که تأمین‌اجتماعی همواره سطح ثابت و استانداردی از جبران را ارائه می‌کند (Faure & Hartlief, 2002: 228).

به دلایل بالا، در غالب کشورهای اروپای غربی، رویکرد سنتی ارائه جبران حداقلی از سوی تأمین‌اجتماعی‌است و مسئولیت‌مدنی در صورتی که شرایط مسئولیت‌مدنی محقق شود و معمولاً فقط برای آن دسته از زیان‌هایی که تحت پوشش تأمین‌اجتماعی قرار نمی‌گیرد، وارد عمل می‌شود (Faure & Hartlief, 2002: 229). تفاوت این رویکرد با جایگزینی جزئی مسئولیت‌مدنی، عدم‌پذیرش اصل مصونیت کارفرما از مسئولیت‌مدنی و امکان مراجعه زیان‌دیده به وی بابت خسارات مازاد بر مزایای تأمین‌اجتماعی‌است؛ هرچند نسبت به امکان یا عدم‌امکان رجوع نهاد تأمین‌اجتماعی به عامل ورود زیان اختلاف هست؛ در واقع در کشورهایی که جایگزینی جزئی صورت‌گرفته‌است، امکان جبران به‌استناد مسئولیت‌مدنی، به‌صورت فرعی و تکمیلی صرفاً به‌صورت‌استثنایی پذیرفته‌شده‌است؛ درحالی‌که در کشورهایی که تعامل مسئولیت‌مدنی و تأمین‌اجتماعی حاکم‌است، این امکان عمومیت یافته‌است(Voirin, 1979: 555).

۳. موضع حقوق ایران

در حقوق ایران، دو قول اصلی درخصوص نوع رابطه بین مسئولیت‌مدنی و تأمین‌اجتماعی ارائه‌شده‌است: برخی معتقدند که دراین موارد، سیاست جمع مزایا پذیرفته‌شده‌است؛ درمقابل، برخی معتقدند که دراین موارد، مسئولیت‌مدنی؛ نقش مکمل تأمین‌اجتماعی را ایفا می‌کند و جمع مزایا ممکن نخواهدبود. در ادامه، این نظرها بررسی خواهد شد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

۱-۳. جمع مزایای تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی

برخی معتقدند که پرداخت‌های سازمان تأمین‌اجتماعی، تکلیف قانونی این سازمان به پرداخت مبلغی در ازای دریافت حق‌بیمه‌است و مبلغ پرداختی از باب مسئولیت‌مدنی نیست.[۱] اگر این تحلیل پذیرفته شود؛ هیچ دلیلی برای کسر مزایای تأمین اجتماعی از خسارات قابل‌جبران وجود ندارد؛ از این‌رو به اعتقاد ایشان، امکان جمع مزایای تأمین اجتماعی و خسارات قابل‌جبران وجود ندارد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

با توجیه دیگری نیز ممکن‌است جمع مزایای تأمین‌اجتماعی و آنچه بابت خسارت بدنی پرداخت می‌شود، توجیه گردد و آن اینکه در حقوق ایران، دیه؛ ماهیت جبران‌خسارت ندارد و نوعی مجازات‌است (ایزانلو، ۱۳۸۷: ۴۳). ادارهٔ حقوقی قوهٔ قضائیه نیز طی نظریهٔ مشورتی شمارهٔ ۴/۴/۹۵۹- ۱۳۶۴/۷ به امکان جمع مزایای تأمین‌اجتماعی نظر داده‌است. (ایزانلو, ۱۳۸۷: ۶۱)؛ بااین‌حال، به‌نظر می‌رسد تردیدی وجود ندارد که دیه؛ ماهیت مدنی داشته و مجازات محسوب‌شدن آن در برخی متون قانونی را نیز می‌بایست حمل بر مسامحه قانون‌گذار یا اصرار وی برای تبعیت ظاهری از فقه تلقی نمود.

این رویکرد به‌وضوح با مفاد ماده ۶۶ قانون تأمین‌اجتماعی در تعارض‌است و آثار ناعادلانه‌ای را در پی دارد؛ چرا که مطابق قاعده، اگر در قوانین مربوطه برای ارائه‌دهنده مزایای تأمین‌اجتماعی، امکان رجوع به عامل زیان پیش‌بینی‌شده باشد؛ رجوع نهاد تأمین اجتماعی، جانشین رجوع زیان‌دیده خواهد شد و درنتیجه، خود زیان‌دیده حق رجوع مستقیم به عامل ورود زیان را در حدود خساراتی که از سوی تأمین اجتماعی جبران می‌شود، ندارد؛ ازاین‌رو، از ماده ۶۶ قانون تأمین اجتماعی می‌توان برداشت نمود که امکان جمع مزایای تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی برای زیان‌دیده وجود نخواهد داشت. (Viney & Jourdain, 1998: 89) ؛

---

۱ – به همین دلیل نیز ایشان معتقدند که سازمان تأمین‌اجتماعی نباید اصولا حق رجوع به عامل زیان داشته باشد و ماده ۶۶ قانون تأمین‌اجتماعی را قابل‌ایراد می‌دانند. ایشان این نظر را این‌گونه توجیه می‌کنند که در این موارد، «سازمان پرداخت‌کننده از وضعیتی که در پیدایی آن نقشی نداشته سوءاستفاده می‌کند؛ مثلاً اگر کسی بر اثر مرگ طبیعی فوت کند سازمان باید مبلغی به خویشان نزدیک او بپردازد؛ ولی اگر همان شخص بر اثر تصادف فوت کند، سازمان؛ وجه پرداختی را از عامل حادثه یا بیمه‌گر او بگیرد؛ بدین‌ترتیب که سازمان، مبلغی را به دست می‌آورد؛ در حالی که اگر آن شخص چندی بعد بر اثر بیماری فوت کند، سازمان باید همان مبلغ را بدون‌حق باز پس‌گرفتن به بازماندگان متوفی بپردازد.» (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲, ص. ۱۰۹).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

همچنین، جمع مزایای تأمین‌اجتماعی و دیه و در کنار آن، امکان رجوع سازمان تأمین‌اجتماعی به کارفرما، ممکن‌است سبب شود کارفرمایی که حق‌بیمه تأمین‌اجتماعی را نیز پرداخت نموده‌است؛ علاوه بر پرداخت خسارت به سازمان تأمین‌اجتماعی، دیه نیز بپردازد.

بااین‌حال، در عمل در رویه قضایی و رویه سازمان تأمین‌اجتماعی، این رویکرد پذیرفته‌شده‌است. رویه‌ای که موجبات تعجب برخی حقوقدانان را فراهم آورده است و نیازمند بازنگری دانسته‌شده است (بادینی، ۱۳۸۷: ۶۴).

۲- ۳. نقش مکمل مسئولیت‌مدنی در کنار تأمین‌اجتماعی[۱]

برخی معتقدند که ماهیت پرداخت‌های تأمین‌اجتماعی، «جبران‌خسارت»است؛[۲]بنابراین، سازمان به میزان مبالغ پرداختی، قائم‌مقام زیان‌دیده می‌شود و کارگر زیان‌دیده تنها بابت دریافت خسارات مازاد بر مبالغ پرداخت‌شده از سوی سازمان تأمین‌اجتماعی، حق رجوع به عامل ورود زیان را دارد. (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۹۵)؛ علاوه بر این، حق رجوع سازمان تأمین‌اجتماعی به کارفرما نیز در مواردی که حادثه منتسب به تقصیر کارفرماست به عنوان قاعده پذیرفته‌شده و اصل مصونیت کارفرما پذیرفته نشده است.

بااین‌حال، اجرای قانون دیات در عمل، اعمال قواعد مسئولیت‌مدنی به عنوان مکمل تأمین‌اجتماعی را با مشکل مواجه نموده‌است. برای رفع این مشکل، برخی حقوقدانان با پذیرش این فرض که دیه، تمام خسارات بدنی اعم از مادی و معنوی را پوشش می‌دهد؛ پیشنهاد کرده‌اند با ارائه یک فرض قانونی، نسبتی از دیه به عنوان جبران‌خسارت معنوی و خسارات مادی خارج از شمول جبران تأمین‌اجتماعی، در نظرگرفته شود و درنتیجه، از قلمروی رجوع تأمین‌اجتماعی خارج شود و در مقابل، نسبتی از آن را بابت خساراتی که با مزایای تأمین‌اجتماعی جبران می‌شود، در نظر گرفت. ایشان پیشنهاد می‌کنند که در این موارد، بنابر

---

۱ – برخی معتقدند در حقوق ایران، سیاست رجوع پذیرفته‌شده‌است. (ایزانلو, ۱۳۸۷, ص. ۳۰)؛ با این حال، به‌نظر می‌رسد علاوه بر سیاست رجوع در حقوق ایران، کسر مزایای تأمین‌اجتماعی از خسارت قابل‌جبران نیز پذیرفته‌شده‌است؛ بنابراین، بهتراست در این زمینه عنوانی عام‌تر پذیرفته شود.

۲ – «دیه از آنجا که چهره جبران‌خسارت دارد (هرچند همزمان دارای چهره کیفری‌است)، نمی‌تواند با پرداخت‌های غرامتی تأمین‌اجتماعی بی‌ارتباط باشد.» (بادینی, ۱۳۸۷, ص. ۴۷)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

اصل، باید به تساوی حکم داد و درنتیجه، ۵۰ درصد دیه معادل مزایای سازمان تأمین‌اجتماعی و ۵۰ درصد دیگر آن، معادل خسارات خارج از شمول تأمین‌اجتماعی در نظرگرفته شود.

با این تحلیل در مواردی که در اثر حادثه ناشی از کار صدمه‌ای به شخص می‌رسد، وی حق دارد علاوه بر مزایای تأمین‌اجتماعی بابت ۵۰ درصد دیه نیز به عامل ورود زیان مراجعه کند. (ایزانلو، ۱۳۸۷: ۴۵)؛ بااین‌حال، به‌نظر می‌رسد این پیشنهاد از چند جهت قابل ایراد است:

اولاً، همان‌طور که خود ایشان متذکرشده‌اند، این فرض یک «فرض قانونی»است که ایجاد آن، مستلزم تصویب قانون از سوی قوه مقننه خواهد بود؛ درنتیجه، پیشنهاد مذکور در حال حاضر مشکل نحوهٔ کسر مزایای تأمین‌اجتماعی از میزان دیه را حل نمی‌کند.

ثانیاً، ظاهراً پیشنهاد مذکور مبتنی بر این فرض است که خسارت مازاد بر دیه قابل‌جبران نباشد؛ چرا که اگر خسارت مازاد بر دیه قابل‌جبران‌بود، دلیلی نداشت که تلاش شود تمام خسارات بدنی مادی و معنوی در قالب دیه مقطوع گنجانده شود؛ درحالی‌که مطابق نظر مشهور حقوقدانان، خسارت مازاد بر دیه قابل‌جبران‌است و مبلغ دیه تنها فرضی‌است که در مورد میزان خسارت قابل‌جبران که خلاف آن قابل‌اثبات است. (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۶۳) امکان مطالبه خسارت مازاد بر دیه در سالیان اخیر در مواردی از سوی قانون‌گذار از باب تسبیب نیز پذیرفته‌شده است.

تردیدی وجود ندارد خسارتی که در اثر مصدوم‌شدن یک شخص شاغل و سلب امکان اشتغال وی وارد می‌شود، بیش از خسارتی است که به یک شخص بیکار وارد می‌شود: «بازداشت بیکاره‌ای که احتمال کار او چندان ناچیز است که به حساب نمی‌آید، استحقاق دستمزد گرفتن ایجاد نمی‌کند؛ ولی هرگاه ظن کارکردن به‌اندازه‌ای قوی باشد که در دید عرف، مسلم به‌نظر آید، در ایجاد ضرر نباید تردید کرد.» (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۵۳)؛ بدین‌ترتیب، اگر فرض کنیم شخص بیکاری که در اثر صدمه، ازکارافتاده می‌شود؛ مستحق معادل N ریال دیه‌است؛ اگر وی شاغل باشد، شخص؛ مستحق خسارتی بیش از میزان دیه خواهد بود؛ بنابراین، در فرض ازکارافتادگی کارگران مشمول قانون تأمین‌اجتماعی، علی‌القاعده خسارتی بیش از میزان دیه به آنها پرداخت خواهد شد؛ درنتیجه می‌توان گفت که غالباً مزایای سازمان تأمین‌اجتماعی، معادل آن چیزی‌است که خسارت مازاد بر دیه محسوب می‌شود. با این تحلیل، زیان‌دیده می‌تواند تمام

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

دیه را به علاوهٔ مزایای تأمین‌اجتماعی دریافت کند و این وضعیت به منزله جبران مضاعف نخواهدبود؛ بلکه در راستای اجرای اصل جبران کامل خسارت است؛ به هرحال، این تفسیر نیز نتایج ناعادلانه‌ای در پی دارد و تحمیل تکلیف به پرداخت حق‌بیمه و پرداخت دیه در کنار رجوع سازمان تأمین‌اجتماعی به کارفرما بر اساس ماده ۶۶ قانون تأمین‌اجتماعی منطقی نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

برخلاف تفاوت‌های ماهوی که از حیث ماهیت، هدف، مبنا و نحوهٔ ارائه مزایا بین مسئولیت‌مدنی و تأمین‌اجتماعی وجود دارد؛ این دو از یک جهت مشترک هستند و آن این است که کارکرد هر دو، جبران آثار زیانباری‌است که به برخی اشخاص وارد می‌شود؛ هرچند در تأمین‌اجتماعی، این امر با نگاه به نیاز زیان‌دیده و به صورت حداقلی صورت می‌گیرد؛ اما در مسئولیت‌مدنی، این امر با توجه به عمل عامل ورود زیان و به صورت کامل صورت می‌گیرد.

با توجه به اینکه در مواردی ممکن است شرایط اعمال قواعد تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی وجود داشته باشد؛ رویکردهای مختلفی درخصوص نحوه اعمال آنها اتخاذ شده است. برخی معتقد به جایگزینی کامل مسئولیت‌مدنی با تأمین‌اجتماعی هستند و عقیده دارند با وجود یک نظام تأمین اجتماعی جامع، دیگر ضرورتی به وجود نظام پرهزینه مسئولیت‌مدنی وجود ندارد؛ برخی معتقد به اعمال موازی نظام تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی بدون هیچ‌گونه وابستگی متقابل‌بین آنها هستند که از منظر زیان‌دیده، به معنای جمع تمام جبران‌های ممکن‌است. بین این دو رویکرد افراطی، راه‌حل‌های میانه‌ای نیز وجود دارد که براساس آنها، تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی می‌بایست جایگاه یکدیگر را لحاظ کنند: در برخی نظام‌های حقوقی، جایگزینی جزئی تأمین‌اجتماعی پذیرفته‌شده که بر اساس آن، تأمین‌اجتماعی در حوزه‌های خاص (به‌خصوص حوادث ناشی ازکار)، جایگزین مسئولیت‌مدنی‌شده است. رویکرد دیگر، تعامل مسئولیت‌مدنی و تأمین‌اجتماعی است که بر اساس آن، مزایای ارائه‌شده از سوی تأمین‌اجتماعی از مسئولیت‌مدنی کسر می‌شود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

درهرحال، آنچه باید در پذیرش هریک از رویکردهای یادشده مدنظر قرار گیرد، این است که با اعمال قواعد تأمین‌اجتماعی و مسئولیت‌مدنی، نه باید زیان‌دیده دارا شود و بیش از زیانی که به وی واردشده، دریافت نماید و نه زیان‌دیده از جبران بخشی از زیانی که به وی وارد آمده، محروم گردد و عامل ورود زیان به نحو غیرقابل‌توجیهی از مسئولیت مبرا شود. با توجه به این ضابطه، به‌نظر می‌رسد تعامل تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی، در قالب ارائه مزایای تأمین‌اجتماعی و ایفای نقش مسئولیت‌مدنی به عنوان مکمل آن از طریق امکان مطالبه خسارات مازاد بر خسارات جبران‌شده از سوی تأمین‌اجتماعی و نیز امکان رجوع نهاد تأمین‌اجتماعی به مسئول حادثه براساس مسئولیت‌مدنی بابت خسارت قابل‌جبران، عادلانه‌تر و مطلوب‌تر است و می‌تواند با اهداف لزوم جبران کامل خسارت وارده به زیان‌دیده، لزوم بازدارندگی و نیز لزوم اجتناب از جبران‌خسارت مضاعف و دارا شدن زیان‌دیده، سازگار باشد.

رویه جاری که در حقوق ایران، درخصوص جمع مزایای تأمین‌اجتماعی و دیه پذیرفته‌شده‌است، به هیچ عنوان قابل‌قبول نیست و علاوه بر اینکه ممکن‌است سبب داراشدن ناعادلانه زیان‌دیده شود؛ مسئولیت مضاعفی بر کارفرما تحمیل می‌کند که به‌هیچ‌وجه عادلانه نخواهد بود؛ با این وجود، با توجه به تفکر حاکم بر رویه قضایی و نیز با توجه به قرار گرفتن دعاوی مربوط به مطالبه دیه در صلاحیت دادگاه‌های کیفری، تغییر در این رویه بدون مداخله قانون‌گذار بعید به‌نظر می‌رسد و هرچه سریع‌تر، دخالت قانون‌گذار به منظور رفع ناعدالتی‌های موجود در رویه فعلی، ضروری به‌نظر می‌رسد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

منابع

الف- منابع فارسی

۱. استوارسنگری، کوروش(۱۳۸۴). حقوق تأمین اجتماعی. تهران: میزان.

۲. ایزانلو، محسن(۱۳۸۷). «استرداد مزایای تامین اجتماعی از محل دین مسئولیت مدنی (مطالعه تطبیقی)» فصلنامه حقوق ۳۸، شماره ۱: ۴۹-۲۹.

۳. بابایی، ایرج(۱۳۹۴). حقوق مسئولیت مدنی و الزامات خارج از قرارداد، تهران: میزان.

۴. بادینی، حسن(۱۳۸۴). فلسفه مسئولیت مدنی. تهران: شرکت سهامی‌انتشار.

۵. بادینی، حسن(۱۳۸۷). «قواعد حاکم بر اعمال همزمان نظام‌های جبران‌خسارت (مسئولیت مدنی، بیمه و تأمین اجتماعی) »، مجله حقوق(۳۱) ، شماره ۲، صص ۷۸-۳۸.

۶. درودیان، حسنعلی، حسن بادینی و محسن ایزانلو(۱۳۸۴). «رجوع سازمان تأمین اجتماعی به عامل ورود زیان و بیمه‌گر او»، فصلنامه تأمین اجتماعی(۲۳)، صص ۱۲۹۶-۱۲۶۲۶.

۷. صفایی، حسین و حبیب‌الله رحیمی(۱۳۹۲). مسئولیت مدنی، تهران: سمت.

۸. عراقی، عزت‌الله، حسن بادینی و مهدی شهابی(۱۳۸۶). درآمدی بر حقوق تأمین اجتماعی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

۹. کاتوزیان، ناصر(۱۳۹۰). مسئولیت مدنی، جلد اول: قواعد عمومی. تهران: دانشگاه تهران.

ب- منابع انگلیسی

1. Bermingham, V. , & Brennan, C. (2011). *Tort Law Directions*. Oxford: OUP Oxford.
2. Cane, P. (2006). *Atiyah's Accidents, Compensation and the Law*. Cambridge: Cambridge University Press.
3. Cane, P. (1997). *The Anatomy of Tort Law*. Oxford: Hart Publishing.
4. Carval, S. (2002). "The Impact Of Social Security Law On Tort law In France". In U. Magnus, *The Impact Of Social Security Law On Tort law* (pp. 74-85). Vienna: Springer.
5. Comande, G. , & Poletti, D. (2002). "The Impact Of Social Security Law On Tort law In Italy". In U. Magnus, *The Impact Of Social Security Law On Tort law* (pp. 134-148). Vienna: Springer.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

6. Cousy, H. , & Droshout, D. (2002). "The Impact Of Social Security Law On Tort law In Belgium", In U. Magnus, *The Impact Of Social Security Law On Tort law* (pp. 27-56). Vienna: Springer.
7. Du Perron, C. E. , & van Boom, W. H. (2002). "The Impact Of Social Security Law On Tort law In Netherland". In U. Magnus, *The Impact Of Social Security Law On Tort law* (pp. 149-165), Vienna: Springer.
8. Faure, M. , & Hartlief, T. (2002). "Social Security versus Tort Law as Instruments to compensate Personal Injuries: A Dutch Law and Economics Perspective". In U. Magnus(ed.), *The Impact Of Social Security Law On Tort law* (pp. 222-265). Vienna: Springer.
9. Fedtke, J. , & Magnus, U. (2002). The Impact Of Social Security Law On Tort law In Germany. In U. Magnus, *The Impact Of Social Security Law On Tort law* (pp. 86-116). Vienna: Springer.
10. Fleming, J. G. (1984). "IS THERE A FUTURE FOR TORT?" *LOUISIANA LAW REVIEW , 44*, 1193-1212.
11. Holzer, W. (2002). "The Impact Of Social Security Law On Tort law In Austria". In U. Magnus, *The Impact Of Social Security Law On Tort law* (pp. 7-27). Vienna: Springer.
12. Lewis, R. (2002)." The Impact Of Social Security Law On private Tort law In England And Wales", In U. Magnus, *The Impact Of Social Security Law On Tort law* (pp. 56-74). Vienna: Springer.
13. Lunney, M. , & Oliphant, K. (2013). *Tort Law: Text and Materials.* Oxford: OUP Oxford.
14. Magnus, U. (2002). "Impact Of Social Security Law On Tort law converning compensation of personal injuries-comparative report", In U. Magnus, *The Impact Of Social Security Law On Tort law* (pp. 266-306). Vienna: Springer.
15. Magnus, U. (2002). Magnus, U." Impact Of Social Security Law On Tort law converning compensation of personal injuries-comparative report." , In U. Magnus, *The Impact Of Social Security Law On Tort law* (pp. 266-306). Vienna: Springer.
16. Magnus, U. , & van Boom, W. H. (2004). *Unification of Tort Law: Contributory Negligence.* Kluwer Law International.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]

17. Pieters, D. (2006). *Social Security: An Introduction to the Basic Principles.* Kluwer Law Intl.
18. Rumo-Jungo, A. (2002). "The Impact Of Social Security Law On Tort law In Switzerland", In U. Magnus, *The Impact Of Social Security Law On Tort law* (pp. 188-222). Vienna: Springer.
19. SKOGH, G. (1980). "PUBLIC INSURANCE AND ACCIDENT PREVENTION", *International Review o fLaw and Economics ,* 67-80.
20. Sugarman, S. D. (1985). "Doing Away with Tort Law", *California Law Review , 73* (3), 555-664.
21. WAGNER, G. (2012). "TORT, SOCIAL SECURITY, AND NO-FAULT SCHEMES: LESSONS FROM REAL WORLD EXPERIMENTS", *DUKE JOURNAL OF COMPARATIVE & INTERNATIONAL LAW , 23* (1), 1-61.

ج- منابع فرانسه

22. Saint-Pierre, A. (1955). "La sécurité sociale", *L'ACTUALITÉ ÉCONOMIQUE , 31* (2), 195-219.
23. Terré, F. , Simler, P. , & Lequette, Y. (2005). *Droit civil: les obligations.* Paris: Dalloz.
24. Viney, G. (2009). *Introduction à la responsabilité.* Paris: L. G. D. J.
25. Viney, G. , & Jourdain, P. (1998). *Les conditions de la responsabilité.* Paris: L. G. D. J.
26. Voirin, M. (1979). "De la responsabilité civile à la sécurité sociale pour la réparation des dommages corporels Extension ou disparition de la branche accidents du travail", *Revue internationale de droit comparé , 31* (3), 541-581.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.57]